



ژینوس سبحانی

یافتن ریشه‌هایی فلسفی در تفکرات اندیشمندان دوره‌های مختلف تاریخی، اکثریت کشورهای جهان را در دوران معاصر به این اصل رهنمون کرد که توسعه باید به‌عنوان جزئی لاینفک در جهت پیشبرد منافع یک ملت در نظر گرفته شود. در پی احساس نیاز به رشد و توسعه در جنبه‌های مختلف، کشورهای جهان، به دنبال یافتن راه‌حل‌ها و راهکارهایی در زمینه پیشرفت جامعه بوده و هستند (رشد در مفهوم عام و نه صرفا اقتصادی و توسعه در تمامی حوزه‌ها). شکل حکومت، زیرساخت‌ها و منابع موجود در یک کشور، چگونگی نگرش به جایگاه توسعه از جانب حاکمیت، مواضع بین‌المللی و تأثیرات و نفوذ دول خارجی، همچنین نقش و موقعیت نهادهای مدنی همگی عواملی هستند که می‌توان با بررسی آنها، میزان توسعه‌یافتگی یک کشور را ارزیابی کرد. قابل ذکر است که در تمامی این موارد شاخص اصلی و تعیین‌کننده، حاکمیت و دولت در مفهوم عام است:
- نحوه بهره‌برداری از منابع موجود در یک کشور.
- میزان باورمندی نسبت به نقش و آثار توسعه و چگونگی اشاعه آن در زمینه‌های مختلف.

نقش و جایگاه حکومت‌ها در پیشبرد اهداف توسعه

چرا برخی از کشورها از مسیر توسعه باز می‌مانند؟

- تعیین جایگاه بین‌المللی و روابط خارجی.

- گستره آزادی عمل نهادهای مدنی.

در پی این سنسجش، از ابتدای دوران انقلاب صنعتی و بعد از جنگ‌های جهانی و در دوران مدرن، کشورها به انواع توسعه‌یافته، درحال‌رشد یا توسعه‌نیافته طبقه‌بندی می‌شوند. به بیان دیگر، پرسش اینجاست که چه عواملی در این دوران سبب شده‌اند که کشورها با شاخص یا مفهوم خاص توسعه، در طبقه‌بندی‌های امروزی گنجانده شوند؟ چرا برخی از کشورها در این مسیر موفقیت‌هایی را به دست آورده و در مسیر رشد در حوزه‌های مختلف قرار گرفته‌اند و برخی دیگر با شکست مواجه شده یا می‌شوند؟ چگونه می‌توان این باور موجود نسبت به نقش کشورهایی قدرتمند و دارای سرمایه با منابع، درمورد به‌استعمارکشیدن و حتی ایجاد مانع در مسیر پیشرفت کشورهای توسعه‌نیافته را ارزیابی کرد؟ شناسایی انواع حکومت‌ها و شیوه‌های اداره کشورها در طول تاریخ تا به امروز یا حتی صرفا در جهان معاصر، روندی نیست که در این مقال بگنجد؛ اما با اتکا به عقاید برخی متفکران می‌توان در

بلند و آرزوهای خوب شهردار که برای تهران متصور شده تشکر می‌کنیم؛ اما عمده اعضای شورا کار اجرایی کرده‌اند و به همین دلیل سوالات و ابهاماتی برای ما مطرح شده، گفت: آقای زاکانی صحبت از برنامه‌های ۱۰ساله کردند اما تاکنون در این شورا حتی سیاست‌های پنج‌ساله نیز تدوین نشده و بهتر است که سیاست‌های شورا منطبق بر نظرات شورای شهر باشد تا موفق‌تر شوند و این در حالی است که پیش‌بینی در شان قانون‌گذار و نه مقام بگذار و این سه مسئله را باید در نظر گرفت: ما

وی با بیان اینکه اعلام کردند که می‌توانند توسعه چهار خط جدید مترو را پنج‌ساله به سرانجام برسانند، گفت: ما این اتفاق خوشحال می‌شویم اما دقت داشته باشید که از این چهار خط مترو کلیاتش در شورای عالی ترافیک کشور تصویب شده و جزئیات آن هنوز توسط مشاور طراحی نشده و این در حالی است که برای ساخت ۱۵۹کیلومتر خطوط جدید به پول امروز ۲۴۰ هزار میلیارد تومان منابع نیاز داریم و در مقایسه با بودجه سالانه شهرداری اگر شهرداری در پنج سال آینده هیچ هزینه‌ای نداشته باشد و صددرصد حقوق خود را به مترو بدهد، این ساخت پنج سال طول می‌کشد و این واقعی نیست که هیچ کار نکنیم و همه پول خود را صرف متروسازی کنیم. به گفته این عضو شورای شهر تهران وقتی برنامه‌ای اعلام می‌شود باید برش‌های آن نیز مشخص شود تا بدانیم در سال‌های آینده چه چیزی از شهرداری طلب کنیم، هنوز این برش‌ها ارائه نشده است. او با اشاره به اختلاف آماری شدید بین شهردار تهران و معاونان شهردار، گفت: معاون شهردار هفته گذشته صحبت از ورود ۵۰ دستگاه اتوبوس دست دوم کردند اما حالا شهردار می‌گوید این مسئله ارتباطی با ما ندارد و شهردار می‌گوید که قرارداد ۲۲۰ واکن با مینا امضا شده اما معاونش صحبت از ۱۵۵ واکن می‌کند و این گزارشات متفاوت و مغایر برای ما سؤال‌برانگیز است. محمد قاضی‌ری عضو دیگر شورای شهر تهران با اشاره به زمان تخصصی برای طراحی در حوزه ساخت‌وساز، گفت: اقدامات مختلف در این بخش به زمان نیاز دارد و اگر به موازات انجام شود حداقل به ۵۰ روز زمان نیاز دارد و اینکه بگوییم زمان صدور پروانه به یک هفته کاهش پیدا کند، تخصصی نیست، درخصوص صدور پروانه به کمتر از دو ماه نباید فکر کنیم؛ اما ناصر امانی از شهردار خواست که به جای بیان برنامه پس از ۱۰ ماه گزارش عملکرد بدهد. او گفت: از شهردار توقع داشتیم گزارش عملکرد بدهند نه ارائه برنامه و این باعث شد فکر کنیم که در جلسه انتخاب شهردار هستیم. نکته دوم حجم زیاد و متنوع برنامه‌هایی است که ارائه کردند و نشان می‌دهد مدیریت شهری جقدر کار دارد و جقدر وظایفش متنوع است و جقدر به هماهنگی، منابع مالی، نیروی متخصص و تیم متخصص و مدیریت قوی و یکپارچه نیاز دارد. برنامه‌های آقای زاکانی خیلی زیاد بود و این آرزوهای بزرگ نیاز به یک طرف بزرگ دارد. آیا ایشان فکر می‌کند این ظرف بزرگ یعنی این‌سه هماهنگی‌ها، منابع مالی، نیروی متخصص و تیم مدیریت قوی متخصص هماهنگ و یکپارچه برای اجرای این برنامه بزرگ فراهم شده است؟

او ادامه داد: نکته سوم اولویت‌بندی برنامه‌هاست. با روابط عمومی شهرداری بارها اعلام کرده بود این نمایشگاه جنبه تبلیغاتی ندارد و تنها به دنبال جذب سرمایه‌گذار است. او در ادامه بازم هم آینده تهران در ۱۰ سال آینده را ترسیم کرد و گفت: برای کارکردهای خود نیز اقی بلند ۱۰ساله را به عنوان چشم‌انداز در نظر گرفته‌ایم که تلاش ما این است در عرصه کالبدی شهر در محور ۳۲۵ ایستگاه مترو و ایستگاه‌های بی‌آرتی، نوسازی شهر را دنبال کنیم. زاکانی سخنان خود درخصوص جهاد مسکن‌سازی، حضور شهرداری در حوزه مسکن استیجاری و خرید واگن و… را تکرار کرد. گزارشی که برخی از اعضای شورای شهر آن را لیست آرزوهای شهردار توصیف کردند نه برنامه عملیاتی. مهدی چمران پس از سخنان شهردار یادآوری کرد که او هنوز لایحه کوتاه‌کردن زمان صدور پروانه ساخت را به شورای شهر نیاورده است. رئیس شورای شهر اضافه کرد: مصوبه‌ای در پایان سال گذشته داشتیم و طبق آن قرار بود که شهرداری طرحی را درمورد صدور پروانه ساختمانی ارائه دهد که هنوز ارائه نشده و ما منتظریم. وی با بیان اینکه وعده‌های امروز و فردا می‌آید که مدام تکرار شده و امیدواریم با اینکه حالا هم دیده شد اما این طرح به شورا بیاید، ادامه داد: کوتاه‌کردن زمان صدور پروانه مهم است اما همه مراحل نباید پشت هم باشد و می‌تواند به گونه‌ای مراحل انجام شود که هم‌زمان با هم باشد. مثلا موقعی که مالک نقشه را می‌آورد، می‌تواند محاسبات فنی یا نما را هم بیاورد و این یک ماه از زمان صدور پروانه کم می‌کند. جعفر تشکرکی‌هاشمی هم با بیان اینکه ما از اهداف



اعتراض اعضای شورای شهر به گزارش‌های تکراری شهردار

انتقاد به لیست آرزوهای شهردار

نورا حسینی: «شهردار تهران میهمان ویژه شورای شهر نیست. حضور شهردار در صحن شورا طبیعی است» این را مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران می‌گوید زمانی که خبرنگاران دلیل حضور شهردار تهران را به عنوان میهمان ویژه می‌پرسند، او می‌گوید: هرچه ارتباط شهردار با شورا بیشتر باشد، بهتر خواهد بود و ما سعی می‌کنیم هرازچندگاهی از شهردار دعوت کنیم تا توضیحات و گزارشاتی را ارائه دهد. علیرضا زاکانی و معاونانش در سال جدید بارها میهمان صحن شورای شهر تهران بودند اما این حضور در زمانی بود که مهدی چمران به دلیل بیماری هنوز در جلسات شورای شهر تهران شرکت نمی‌کرد. او قبل از آغاز سخنان شهردار گفت که درست است که به صحن دعوت نشده اما شورا مثل خانه او می‌ماند و می‌تواند هر وقت خواست به صحن شورای شهر تهران بیاید. شهردار تهران که به بهانه نمایشگاه دستاوردهای شهرداری و فرصت‌های سرمایه‌گذاری به شورای شهر آمد در سخنان طولانی دوباره برنامه‌های آینده شهر تهران را بیان کرد. او که سخنران پیش از خطبه نماز جمعه بود، همان سخنان را در صحن شورای شهر هم تکرار کرد که باعث گلایه برخی از اعضای شورای شهر تهران شد. علیرضا زاکانی در صحن شورای شهر گفت که ۱۰ ماه و یک روز است که در شهرداری مشغول به کار است و حاصل این مدت تلاش، نمایشگاهی است که در بوستان گفت‌وگو برگزار می‌شود و در منظر عموم مردم قرار دارد تا ابعاد اقدامات انجام‌شده ارائه شود. این در حالی است که

حوزه توسعه کلیاتی را بیان کرد. مایکل مان در تعریف توانایی دولت، میان قدرت اقتدارگرا و دولت با قدرت زیرساختی، تفاوت قائل است. مان می‌گوید که چنین قدرتی است که دولت در تصمیم‌گیری‌های مستقل و به دور از خواسته‌های غیردولتی اتخاذ می‌کند. اما قدرت زیرساختی، قدرت و توانی است که حاکمیت یا دولت برای نفوذ در جامعه مدنی و نظارت بر اجرای دستوراتش به کار می‌برد. ترکیبی از قدرت ضعیف با زیرساختی قوی می‌تواند به عقیده مایکل مان، نشانگر دولت توسعه‌یافته معاصر باشد. همچنین به عقیده وبر دولت‌هایی فاقد مدیرانی شایسته که یا توانایی اداره جامعه را ندارند یا در پی اعمال قدرت، منابع و نیروهای انسانی و مالی و… را به ورطه نابودی یا چپاول می‌کشند و موجبات ایجاد کشوری غیرتوسعه‌یافته، متزلزل و ضعیف را به وجود می‌آورند.
گزیده نتایجی را که در دهه ۱۹۶۰ با مقایسه میان کشورهای کمترتوسعه‌یافته و دول مترقی‌تر، از علل این متزلزل‌بودن یا عدم ثبات (چه در حوزه اقتصاد و چه در دیگر حوزه‌ها) حاصل شد، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

یک دست نمی‌توان چند هندوانه برداشت. مردم تهران درحال‌حاضر دو سه مشکل اساسی دارند که هم دوره قبل گفتند و هم دوره ما گفتند؛ اول؛ آلودگی هوا که در برنامه‌های ایشان چنین چیزی نبود. دوم؛ توسعه حمل‌ونقل عمومی که به خوبی به آن پرداخته شد اما به آینده موکل کردند. سوم؛ بافت فرسوده. اگر آقای زاکانی در مدت سه سال و دو ماهی که از شهرداری ایشان و عمر شورا مانده اولویت را فقط روی این سه برنامه بگذارد و ۳۰ درصد این سه معضل در شهر تهران را حل کندد به عنوان یک شهردار موفق نام‌شان برای همیشه در تاریخ بلدیة ثبت خواهد شد؛ ولی اگر صد برنامه خوب را زخمی کند و هیچ‌یک را به نتیجه نرساند، ابتر می‌ماند و پاسخی در سه سال و دو ماه آینده برای مردم تهران نخواهیم داشت. امانی اضافه کرد: در مردادماه سال ۱۴۰۴ باید این صندلی و میز را به دیگران تحویل دهیم و اگر می‌خواهیم برنامه ارائه دهیم باید به مردم بگوییم در این سه سال و دو ماه یاقی مانده چه برنامه‌ای داریم. ما برای چهار سال انتخاب شدیم و بایستی در پایان این چهار سال کارنامه ارائه دهیم که حداقل نمره ۱۰ از مردم بگیریم. امانی با بیان اینکه ما هر کاری می‌کنیم از جیب مردم تهران است، گفت: این جلسه شورا که از ساعت ۹:۱۵ شروع شده ثانیه به ثانیه‌اش از جیب مردم تهران هزینه می‌کند و مردم تهران هزینه کل شهرداری تهران را و حقوق حدود ۷۰ هزار کارمند خدم شهرداری تهران را می‌دهند. اگر منابع مالی داریم باید آن را صرف دردهای اصلی و اولویات اصلی شهر تهران کنیم. اگر قرار است نمایشگاهی برگزار شود، اگر برای برنامه سه سال و دو ماه آینده است عالی است و حتما باید اتفاق بیفتد. اگر برای ارائه گزارش عملکرد است زود است و اگر نباید پرمیرواش هزینه شود.

حبیب کاشانی هم در واکنش به این گزارش گفت: آقای زاکانی، ۳۳۲ روز است که شورای ششم شکل گرفته است و شما ۲۶ روز بعد آمدید، با وجود اینکه در این ۲۶ روز هم مشغول فعالیت بودند. اما اقدام عملی شهرداری کجا دیده می‌شود؟ اینکه می‌خواهید ۱۸۰ هزار مسکن بسازید و یک طبقه به بافت فرسوده اضافه شود و صدور پروانه به ۶۰ روز تقلیل پیدا کند کجا دیده می‌شود؟ مگر کسی برای پروانه ساخت مراجعه می‌کند؟

کاشانی ادامه داد: طبق گزارش فروردین و اردیبهشت درخصوص درآمد و هزینه شهرداری، ۲۲۷۰ میلیارد درآمد داشته‌اید که شامل ماه رمضان و تعطیلات نوروز بوده است. اما در همین فروردین و اردیبهشت شش هزار میلیارد کسری داریم و برای پرداخت حقوق، ساختمان و زمین شرکت واحد را به مبلغ ۱۶۰۰ میلیارد تومان فروخته‌ایم؛ بنابراین پیش‌بینی می‌کنم در ماه‌های آینده، حتما شهر آفتاب و ساختمان شهروند و ساختمان همشهری و حتی ساختمان اطلاعات را خواهیم فروخت.

خرانه‌دار شورا افزود: اگر قرار باشد در یک چهارم سال که پیک کار ماست نتوانیم درآمد کسب کنیم، ژوئایی که در ذهن داریم، محقق نخواهد شد. قرار بود که در معاونت شهرسازی حدود ۲۲ هزار میلیارد درآمد حاصل شود، اما نمی‌شود.

- عدم تبعیت از قانون چه از جانب ملت و چه دولت.
- ضعف در اقتدار دولت جهت برقراری نظم و اطاعت از قانون.
- عدم نظارت صحیح بر اجرای قانون که امری ضروری در مسیر ترقی، رشد و توسعه به شمار می‌آید.
- ناتوانی دولت در مقابله با انواع فساد و آسیب‌ها و ضعف‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و…
- ناتوانی دولت در تخصیص‌دادن منابع ملی در مسیر رشد و توسعه.
- نبود جامعه مدنی قدرتمند یا ایجاد مانع جهت تقویت نیروهای انسانی در ارزیابی صحیح مسائل اقتصادی، اجتماعی و …
- کمبود و ضعف در وجود افراد متخصص در دستگاه‌های دولتی و عدم پذیرش مسئولیت و…
- یا توجه به این نکات می‌توان گفت توانایی، اقتدار و میزان باورمندی حکومت‌ها در طی این مسیر بسیار حائز اهمیت است.

اخبار برگزیده

توانمندسازی علیه توانمندسازی



زینب نصیری

مددکار اجتماعی

توانمندسازی مفهومی است که در دهه‌های گذشته از طرف سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی مورد توجه قرار گرفته است و اکثر سازمان‌های دولتی و غیردولتی هرساله بخشی از سرفصل‌های برنامه و بودجه‌ای خود را به این مفهوم اختصاص می‌دهند. از توانمندسازی کودکان، زنان سرپرست خانوار، افراد آسیب‌دیده و در معرض آسیب اجتماعی تا توانمندسازی بان‌نشستگان و کارکنان یا توانمندسازی در قالب صندوق‌های کارآفرینی، مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و راه‌اندازی مراکز و مؤسسات توانمندسازی، همه اشکال متفاوتی از استفاده از این مفهوم هستند که متأسفانه اگر‌ای آن فاصله عمیق و معناداری با توانمندسازی اصیل و واقعی داشته و نه‌تنها به درستی اتفاق نمی‌افتد بلکه با ارائه توانمندسازی پدرومانه موجب ازبین‌رفتن حداقل فرصت‌های توانمندسازی و ناامیدی افراد جامعه‌نسبت به امکان عملی تحقق آن شده است؛ اما در مقابل اجرای حداقلی و کاریکاتوری این مفهوم، توانمندسازی واقعی رویکردی است که بر اهمیت کسب قدرت بین افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع تأکید دارد و اگر به درستی محقق شود توانایی نفوذ در جریان زندگی و اداره جنبه‌های فردی و عمومی آن، احساس ارزشمندیون فردی، توان تأثیرگذاری و امید اجتماعی را به همراه دارد؛ بنابراین هسته اصلی توانمندسازی نه آموزش، مهارت‌افزایی و اشتغال‌زایی بلکه تقسیم قدرت، با هم قدرتمندشدن، رابطه برابر و مبتنی بر همکاری متوازن و به‌طور کلی حرکت از بی‌قدرتی به سمت کسب قدرت است. در این فرایند، نگاه به رویکرد توانمندسازی و افراد درگیر در آن، نه به عنوان فرایند کمک‌کننده به افراد نیازمند بلکه به عنوان رویکردی حساس به توزیع قدرت، مبتنی بر به‌رسمیت‌شناختن فردیت و ویژگی‌های منحصربه‌فرد افراد، باور به حق برخورداری برابر همه افراد به منابع و امکانات، تبادل اطلاعات شفاف و صادقانه، باور به حق تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری فردی، باور به گفت‌وگو، باور به رابطه برابر و مبتنی بر مشارکت فعال و نگاه به همه افراد درگیر در فرایند توانمندسازی به عنوان یک منبع اجتماعی ارزشمند و نه یک فرد مشکل‌دار و دریافت‌کننده است. بنابراین تأکید بر مفهوم توانمندسازی بدون باور به الزامات آن و تقسیم قدرت با مردم در سطح خانواده، گروه، سازمان یا جامعه بزرگ‌تر نه‌تنها جامعه را ارتقا نمی‌دهد بلکه ضمن تقویت بی‌قدرتی در بین گروه‌های بی‌صدا و محروم، به دلیل ناکامی در تضمین حقوق قانونی و انسانی هر شهروند و فقدان دسترسی عادلانه به فرصت‌ها، امکانات و منابع عمومی موجب ترویج نوعی از درمادگی آموخته‌شده و ناتوانمندسازی نهادی می‌شود که برای جامعه بسیار خطرناک است. تأکید بر این نکته ضروری است که شکست در برنامه‌های توانمندسازی به دلیل عدم توانمندی گروه‌های محروم، کمتربرخوردار یا سایر ذی‌نفعان درگیر در پروژه‌های توانمندسازی نبوده و ناشی از ساختار سیستمی است که از سویی موجب دسترسی محدود و نابرابر این گروه‌ها به منابع اجتماعی و فرصت‌های کسب قدرت می‌شود و از سوی دیگری بی توجه به اشکال گوناگون بی‌قدرتی ناشی از فقر، نابرابری‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سن، جنس، جنسیت، معلولیت، باورها و… به بازتولید چرخه بی‌قدرتی دامن می‌زند. مقاومت ناخودآگاه متخصصان و بازیکران عرصه توانمندسازی در درگیرکردن و جلب مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری، عدم آگاهی عاملان توانمندسازی نسبت به ضرورت تحقق فرایند اشتراک قدرت و برابری رابطه به عنوان مؤلفه اصلی فرایند توانمندسازی، از عوامل اصلی ناکامی این رویکرد در عرصه عمل تلقی می‌شود. ضمن اینکه حتی در موقعیت‌های محدودی که این فرایند به درستی اجرا می‌شود نیز معمولاً برنامه‌های توانمندسازی پس از کسب قدرت افراد و گروه‌ها متوقف می‌شود که ناشی از تضاد مطالبات آنها با منافع صاحبان قدرت است؛ ازاین‌رو در پایان ذکر این نکته ضروری است که برنامه‌های توانمندسازی بدون باور به الزامات آن توسط سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و کارشناسان، نه‌تنها به توانمندسازی جامعه کمکی نمی‌کند بلکه موجب کاهش توانمندی‌های افراد جامعه نیز می‌شود.

برگ سبز، اسناد دفترخانه و سند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ایکس تاکسی رنگ زرد خورشیدی بانوار شطرنجی مشکی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۳۴ ت ۳۲۵ ایران ۱۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۸۴۶۹۵ و شماره شاسی NAAM11CA39E012943 به نام مهدی جلیلیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز خودرو پژو پارس رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۹۴ _ ۸۸۳ J ۴۱ شماره موتور 124K1542377 و شماره شاسی NAAN0ICE3MK062904 به نام عبدالله سعیدی هلری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
سند کمپانی اتوبوس اسکانیا مدل ۸۸ به شماره شاسی ۳۶۲۸۶۹۵ و شماره موتور ۸۱۰۹۸۳۱ به رنگ سفید شماره پلاک ۹۵ ایران ۶۳۶ ع ۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز خودرو دنا پلاس EF7 رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱ _ ۷۵۸ ج ۲۱ و شماره موتور 153H0067873 و شماره شاسی NAAW61HU3NE568026 به نام مونا او جاقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز خودرو و تیبیا صندوق دار رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۳۰ _ ۴۷۵ ن ۹۵ و شماره موتور M15/9543583 و شماره شاسی NAS811100N579936 به نام سید محمود حسینی نسب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو 207 رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۶۶۹ ن ۱۷ و شماره موتور 178B0060160 و شماره شاسی NAAR03FE5MJ409633 به نام هما ابراهیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.